



مذاكرات مجلس شورای ملی	سالیانه ۲۰۰ روال
مذاكرات مجلس سنا	۲۰۰
آگهی‌ها	۶۰۰
مذاكرات مجلسین و آگهی‌ها	۹۰۰

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کتب، بیانات، مقررات، گزارش، کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره مسلسل ۱۰۴

دوره هجدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۰۴

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه

بیست و ششم اسفندماه ۱۳۳۴

فهرست مطالب:

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تقدیم یک فقره سؤال بوسیله آقای ارباب
- ۳) اخذ رأی و تصویب تقدم طرح بودجه ۱۳۳۴ کل کشور در دستور
- ۴) اخذ رأی و تصویب اضافه اعتبار ۱۳۳۴ وزارت دادگستری
- ۵) طرح گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه ۱۳۳۴ کل کشور
- ۶) اعلام مقام ریاست دائر به بلا مانع بودن تشکیل کمیسیونهای مشترک مجلسین پس از ابلاغ قانون تمدید از طرف مجلس سنا
- ۷) بقیه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه ۱۳۳۴ کل کشور و خانم غوران
- ۸) بیانات آقای رئیس بنامست یاران اولین سال دوره هجدهم
- ۹) تقدیم استیضاح از آقای وزیر فرهنگ بوسیله آقای خلمت بری
- ۱۰) تعیین موعده جلسه بعد - ختم جلسه (مجلس دو ساعت و دد دقیقه پیش از ظهر بر است آقای رضا حکمت تشکیل گردید)

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه پیش قرائت میشود -
غائبین با اجازه - آقایان: نصیری، خزیمه علم، دکتر شامکار، خرازی، مکرم، فئات آبادی، احمد صفائی، حرب شیبانی، سلطانی، امیر تیمور کلالی، هبیدی نوری، نقابت، عبدالرحمن فرامرزی، سلطان مراد بختیار، مصطفی ذوالفقاری، تجدد، موسوی، عبدالعزیز بختیار، سنندجی، جلیلووند، یارافشار.

دولت آبادی، میراشرفی، دکتر سعید حکمت، امیرحاشمی، غائبی با اجازه - آقایان: دیرآمدگان و زورندگان با اجازه - آقایان: اردلان، صدرزاده، کریمی، کیسکاسی، نفا، اسلامی، قوامی، قراکزیلو، خاکباز، بزرک نیا، دکتر افشار، صاری، صادق بوشهری، مسودی، دکتر پیرینا، تیمورتاش.
رئیس - نسبت به صورت مجلس نظر شما چیست؟

پرونده - يك اصلاحاتی در كلمات
است باید بکنم تقدیم میکنم.
رئیس - بسیار خوب بدهید به تندنویسی در صورت مجلس دیگر نظری نیست؟ (گفته شد غیر) صورت مجلس جلسه قبل تصویب شد.
رئیس - آقای وزیر دارائی
وزیر دارائی - بطوریکه آقایان استحضار دارند بودجه ۳۴ در کمیسیون بودجه با توجه شمس جناب آقای رئیس مجلس شورای ملی و بذل توجهی که فرمودند و رئیس کمیسیون بودجه و آقای مخبر و اعضای کمیسیون بتصویب رسیده و گزارشش طبع و توزیع شده بنده خواستم از آقایان تقاضا کنم که این مجلس دوره ۱۸ که حقیقه زحمت فوق العاده زیادی کشیده و در بیانش عملیات مثبت فوق العاده زیاد است قرار داد نرفت است قرار داد فرستاده است و پشتوانه اسکناس هست و اگر توجه بفرمایند بودجه مملکتی سال ۳۴ در موعده قانونی از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد بر بیان کار خود این کار مثبت را اضافه بفرمایند که این مجلس برای یکدفعه در این مملکت اول سال بودجه کل مملکتی کشور را تصویب فرموده البته این بودجه چهار دیواری است و البته آقایان بحث لازم مفرمایند در هر صورت ارقام جزء در کمیسیون بودجه مجلس مطرح میشود و آنها جرح و تعدیل میشود و بنده خیال میکنم که نه فقط نظر آقایان نمایندگان هست که بودجه تصویب شود بلکه نظر آقایان مبنی بر این است که حتی المقدور از خرج کاسته شود و بودجه متعادل شود خواستم تقاضا کنم موافقت بفرمایند که گزارش کمیسیون بودجه در دستور واقع شود و البته بنده نیچووام تعیین تکلیف کنم ولی تا آخر شب هم زحمت بکشند که تکلیف بودجه معلوم شود (جمعی از نمایندگان - حاضرین) بنظر بنده شدنی به بود وضع مالی و اقتصادی مملکت

کرده اند و در سایر مجالس دنیا هم سابقه دارد که ۴۸ ساعت نشسته اند و یک کار مهم را انجام دادند (صحیح است) و بنده خیال میکنم که در وضع حاضر از بودجه کمتر نیست.

۲ - تقدیم يك فقره سؤال

بوسیله آقای ارباب

ارباب - اجازه بفرمائید يك توضیحی میخواستم عرض کنم
رئیس - توضیح ندارد
ارباب - يك سؤالی است میخواستم تقدیم کنم
رئیس - سؤال توضیح ندارد سؤال را بگوئید در چه موضوع است
ارباب - البته آقایان نمایندگان محترم اطلاع دارند که بندرعباس دچار قهر طبیعت شده بطوریکه ۹۵ درصد خانه های مردم ویران شده است سؤالی میخواستم بکنم که دولت چه توجهی میدول فرموده اند استفاده میکنم دولت و شیر و خورشید سرخ با استظهار بمنابات اهل حضرت همایونی نسبت بطنقات بدبخت و آلام دیده بلك توجه فوری نسبت بوضع یریشان و سرگردانی مردم بندرعباس که شهانروز در حال و پلانی سرگردانی در بیابانها میکفرانده بفرمایند (صحیح است)

رئیس - بسیار خوب هر چند مربوط بسؤال نبود ولی چون صدمه ای بشهرستان بندرعباس وارد شده زیاد بیورد نبود

۳ - اخذ رأی و تصویب

تقدم طرح بودجه ۱۳۳۴

کل کشور در دستور

رئیس - بطوریکه آقای وزیر دارائی تقاضا نموده اول باید رأی بگیریم که امروز بودجه مطرح شود
حائری زاده - اجازه بفرمائید بنده يك توضیحی در این موضوع عرض کنم

گردد که نباید آنها را نیکبند و ردمی کند و شایسته است که اینها یوستی قلان مبلغ میفرید در مشهد اگر خواست باشد بفرید مبلغی ارز تر است است از عشق آباد که هم مرز شتهه است اگر در عشق آباد بفرید سالها صدی پنجاه گران تر است. این تشویقی بود که روسیه از صادراتش میکرد و برای ایرانهم در و دروازه اش باز بود، و شای ترهه گری های گدگرکی آرزو را اگر مراجه بکنید، خدارحمت کند مرحوم فهم الملک رادر این قسمتها اطلاعات خوب داشت تصیبات کرده بود و کتابی را که راجع بگمرک و اقتصاد نوشته است من دیدم و مطالعه کردم. قبل از انقلاب روسیه سی هفتاد تجارت ایران در تصرف گمرکی که ملاحظه میکردید پاروسیه هم چرا ؟ برای اینکه در دروازه ایران باز بود و دولتها هم برای تشویق صادراتشان جنس را ارزان میفرستادند که بازارها را تصرف کنند (شورتی - دروازه روسیه هم باز بود) ولی پس از انقلاب روسیه که رژیم وضع روسیه عرض شوک طبقه دیگری غیر از تزارها آمدند و آن استبداد تزار را تعقیب کردند ولی آن عاطفه تزار ها را ندارند آنها آمدند و تجارت را انحصار دولت کردند تا وقتی انحصار نشده بود و در ایران تجارت آزاد داشتیم یک معضله برای تجارت علیه دیگری می آمدند پارچه می آوردند سری اول تجاری که می آمدند از آنها می خریدند فرض کنید هر متری پارچه را بگفران میگفتند آن تاجر میدید نیست بسیار اجناس مشابه که از اجزاهای دیگر می آید از آن تزار است تا امتناع می خرید و وقتی که بازار از امتناع میکند و از پارچه متری میفران میبگفت نهصد دینار این بد بخت ها هم میدیدند که خوب یک میلیون معامله کرده و صد هزار تومان ضرر است یک یه ضرر است لابد بود برود ملکش را روه بگذارد و آن نهصد دیناری را بفرود بیاورد بگذارد که ضرر کمتر بکنند با و براین تا میتوانست متری سه مایه روی هم میگذاشت و پارچه نهصد دینار می خرید بازار که پر میشد آنوقتی گفت متری چهار عباسی و با این عملیات تجار کارکن و فعال ملکت مزارا ورشکست کردند ، نابود میکردند ؟ چرا برای این کلدوس از طرف روسها یکی بود ولی از طرف ایران بیست میلیون نفوس بودند که تقاضا میکنند ، یانه تجارت روی عرضه است و تقاضا ، عرضه کننده یکی تلقنا کننده بیست میلیون نفوس این از نظر واردات آنها باریان بود فقط آنها این حساب را میکردند نسبت به مالک و دیگر گنجش بیاریان نفرینند و ضلله را طوری بکنند آنها ، تقاضا میکنند اما تقاضای

پفرورشد و الا برای ایران رعایتی در کار نبود آنوقت آدمی سر صادرات دراز این یک اداره پنبه بود حالاستش و فراموش کردم (بگفرانزایانند گان - پیرس خلوبوک) اینها مسامحه میدادند ، بلر میدادند پولی دادند غلام میگردند ولی خریدار پنبه یکی بود و فروروشد بیست میلیون نفوس ایران و تجارت در انحصار دولت نبود و آزاد بود زراعت هم که انحصار نبود و بودارندگان معصوم ایران هر نرضی معذور کردن واردات ، بنظور تأمین اقتصادی و تعالی بازرگانی خارجی موازنه ارزی کشور در این سر لوحه برنامه اقتصادی قرارداد (دکتر جزیری - پس حضرتعالی مغالط باآزادارواریا رابطه داشتیم پارچه ای نداشتیم بجز اینکه از آنها بفریم و ورشکست کردند یکسده از افراد فعال بکار کن این ملکت را که روسیه این ها را میخواند در دیوان کشور میدیدم و در بازار سیاه هم بفراسان رفتیم واینا دیدم وضعیت اقتصادی را که چه جور اشتفه است و در نتیجه این رویه بود که آمدند تقانون انحصار تجارت را درست کردند یک شرکت مرکزی بود در مرکز واسطه در اینجا که این شرکت مرکزی واسطه باشد ما ؛ بیاریانها و روسها اگر روس ها یکی هستند ایرانیها هم یکی باشند و تمرکز پیدا کنند خرید و فروششان در یک شرکت مرکزی حالا من وارد این نیستم که در آن شرکت دزدی کردند یا نکردند حسن عمل داشتند یا نداشتند در همه دستگامی خوب و بد هست ولی روی این فشاری که وارد شده بود باریان در معامله پاروسیه کونیت دولت ایران مجبور شد که یک عمل انحصاری بکنند و جلو این وضعیت را بگیرد و حالا من بینم که روی آزادی تجارت که من اطلاعی ندارم وله و بعلاجهش نمیتوانم رای بدهم و مجبورم که در موقع رای امتناع بکنم چون من اطلاعات اقتصادی عمیقی که بتوانم رای بدهم ندارم ولی کلی مفهوم که الفبای اقتصاد که عبارت از عرضه و تقاضاست متری سه مایه روی آمد یک دست فروخته شد هان دست هم خریدار و ملکت دیگری بیست میلیون نفوس فروروشد و بیست میلیون خریدار بدیهاست که انصار اقتصادیست آن بگفرانست و هر طرف میخواهد میکند ، حالا دولت ایران ، معسکت من که نیفهم و اقرار بنادانی خودم میکنم و خیلی ها باشند که مثل من باشند ولی خودشان را اغلب علما معرفی میکنند و این قوانین را میگذازند حالا نتیجه اش چه میشود من نمیدانم ، من معتقدم برای این کار ارزش دارد از علمای بزرگ دنیا نه از آنها بگفته خودشان رای نفع باشند ، استفاده بکنیم ، و باوضاع و سبله ای پیدا میکند ، حالا این موضوع را بگذازم کنار بحثی را وارد نمیکنم

رووشان بکنیم که با دردهایمان از چه قرار است که کنیم و اینها با مطالعه ، از مالکی که علمانی دارند و تجارنی هم با ما ندارند از آنها بی نماند که بفرهاند این آقا را بلند کنند خودشان جایش بنشینند من طرفدار این نیستم که بگویم این آقا مارا نیچاد این آقا ما را بچاید باید یکی تگری کنیم که کسی ما را نیچاد و بتوانیم بدون وثور ملکت خودمان را حفظ بکنیم این را من در این جمله کوتاه که حمایت از صنایع ملی و تشویق صادرات معذور کردن واردات ، بنظور تأمین اقتصادی و تعالی بازرگانی خارجی موازنه ارزی کشور در این سر لوحه برنامه اقتصادی قرارداد (دکتر جزیری - پس حضرتعالی مغالط باآزادارواریا رابطه داشتیم پارچه ای نداشتیم بجز اینکه از آنها بفریم و ورشکست کردند یکسده از افراد فعال بکار کن این ملکت را که روسیه این ها را میخواند در دیوان کشور میدیدم و در بازار سیاه هم بفراسان رفتیم واینا دیدم وضعیت اقتصادی را که چه جور اشتفه است و در نتیجه این رویه بود که آمدند تقانون انحصار تجارت را درست کردند یک شرکت مرکزی بود در مرکز واسطه در اینجا که این شرکت مرکزی واسطه باشد ما ؛ بیاریانها و روسها اگر روس ها یکی هستند ایرانیها هم یکی باشند و تمرکز پیدا کنند خرید و فروششان در یک شرکت مرکزی حالا من وارد این نیستم که در آن شرکت دزدی کردند یا نکردند حسن عمل داشتند یا نداشتند در همه دستگامی خوب و بد هست ولی روی این فشاری که وارد شده بود باریان در معامله پاروسیه کونیت دولت ایران مجبور شد که یک عمل انحصاری بکنند و جلو این وضعیت را بگیرد و حالا من بینم که روی آزادی تجارت که من اطلاعی ندارم وله و بعلاجهش نمیتوانم رای بدهم و مجبورم که در موقع رای امتناع بکنم چون من اطلاعات اقتصادی عمیقی که بتوانم رای بدهم ندارم ولی کلی مفهوم که الفبای اقتصاد که عبارت از عرضه و تقاضاست متری سه مایه روی آمد یک دست فروخته شد هان دست هم خریدار و ملکت دیگری بیست میلیون نفوس فروروشد و بیست میلیون خریدار بدیهاست که انصار اقتصادیست آن بگفرانست و هر طرف میخواهد میکند ، حالا دولت ایران ، معسکت من که نیفهم و اقرار بنادانی خودم میکنم و خیلی ها باشند که مثل من باشند ولی خودشان را اغلب علما معرفی میکنند و این قوانین را میگذازند حالا نتیجه اش چه میشود من نمیدانم ، من معتقدم برای این کار ارزش دارد از علمای بزرگ دنیا نه از آنها بگفته خودشان رای نفع باشند ، استفاده بکنیم ، و باوضاع و سبله ای پیدا میکند ، حالا این موضوع را بگذازم کنار بحثی را وارد نمیکنم

تا وقتی که معذور خود وزارت خارجه مطرح شد ، او را که کمند در سیستان داشته باشیم و زهر تان کرسته باشیم کارا زود هم وسيله است که این مصرف و تولید بهم نزدیک بشوند دستگاه تولید که آنجا هست دستگاه معصوم کدر تهران است این واسطه که حمل و نقل بکنند و بیاورد این لازمت پس باید در مسائل اقتصادی تولید را مورد توجه قرار داد مصرف را مورد توجه بگذاشت و مصرف کننده میکروند عکسش هم صحیح است آن پارچه باف پارچه ای را که تهیه کرده می دست بدهد توجه قرارداد که پیش بکنند که از آن ناحیه ای که تمرکز پیدا کرده است ببرد و تعالی بازرگانی خارجی موازنه ارزی کشور در این سر لوحه برنامه اقتصادی قرارداد (دکتر جزیری - پس حضرتعالی مغالط باآزادارواریا رابطه داشتیم پارچه ای نداشتیم بجز اینکه از آنها بفریم و ورشکست کردند یکسده از افراد فعال بکار کن این ملکت را که روسیه این ها را میخواند در دیوان کشور میدیدم و در بازار سیاه هم بفراسان رفتیم واینا دیدم وضعیت اقتصادی را که چه جور اشتفه است و در نتیجه این رویه بود که آمدند تقانون انحصار تجارت را درست کردند یک شرکت مرکزی بود در مرکز واسطه در اینجا که این شرکت مرکزی واسطه باشد ما ؛ بیاریانها و روسها اگر روس ها یکی هستند ایرانیها هم یکی باشند و تمرکز پیدا کنند خرید و فروششان در یک شرکت مرکزی حالا من وارد این نیستم که در آن شرکت دزدی کردند یا نکردند حسن عمل داشتند یا نداشتند در همه دستگامی خوب و بد هست ولی روی این فشاری که وارد شده بود باریان در معامله پاروسیه کونیت دولت ایران مجبور شد که یک عمل انحصاری بکنند و جلو این وضعیت را بگیرد و حالا من بینم که روی آزادی تجارت که من اطلاعی ندارم وله و بعلاجهش نمیتوانم رای بدهم و مجبورم که در موقع رای امتناع بکنم چون من اطلاعات اقتصادی عمیقی که بتوانم رای بدهم ندارم ولی کلی مفهوم که الفبای اقتصاد که عبارت از عرضه و تقاضاست متری سه مایه روی آمد یک دست فروخته شد هان دست هم خریدار و ملکت دیگری بیست میلیون نفوس فروروشد و بیست میلیون خریدار بدیهاست که انصار اقتصادیست آن بگفرانست و هر طرف میخواهد میکند ، حالا دولت ایران ، معسکت من که نیفهم و اقرار بنادانی خودم میکنم و خیلی ها باشند که مثل من باشند ولی خودشان را اغلب علما معرفی میکنند و این قوانین را میگذازند حالا نتیجه اش چه میشود من نمیدانم ، من معتقدم برای این کار ارزش دارد از علمای بزرگ دنیا نه از آنها بگفته خودشان رای نفع باشند ، استفاده بکنیم ، و باوضاع و سبله ای پیدا میکند ، حالا این موضوع را بگذازم کنار بحثی را وارد نمیکنم

برای اینکه آورده تهران بدست مصرف کننده نماند ، بدست واسطه داده واسطه های اطرافش را سائیده وحد اقل قیمت ، صد تومان را با داده ولی این صد تومان را واسطه باو داده اند و بعد این یکی بآن فروخته و آن یکی بآن فروخته دست مصرف کننده رسید سبب تومان پول از مصرف کننده میکروند عکسش هم صحیح است آن پارچه باف پارچه ای را که تهیه کرده می دست بدهد توجه قرارداد که پیش بکنند که از آن ناحیه ای که تمرکز پیدا کرده است ببرد و تعالی بازرگانی خارجی موازنه ارزی کشور در این سر لوحه برنامه اقتصادی قرارداد (دکتر جزیری - پس حضرتعالی مغالط باآزادارواریا رابطه داشتیم پارچه ای نداشتیم بجز اینکه از آنها بفریم و ورشکست کردند یکسده از افراد فعال بکار کن این ملکت را که روسیه این ها را میخواند در دیوان کشور میدیدم و در بازار سیاه هم بفراسان رفتیم واینا دیدم وضعیت اقتصادی را که چه جور اشتفه است و در نتیجه این رویه بود که آمدند تقانون انحصار تجارت را درست کردند یک شرکت مرکزی بود در مرکز واسطه در اینجا که این شرکت مرکزی واسطه باشد ما ؛ بیاریانها و روسها اگر روس ها یکی هستند ایرانیها هم یکی باشند و تمرکز پیدا کنند خرید و فروششان در یک شرکت مرکزی حالا من وارد این نیستم که در آن شرکت دزدی کردند یا نکردند حسن عمل داشتند یا نداشتند در همه دستگامی خوب و بد هست ولی روی این فشاری که وارد شده بود باریان در معامله پاروسیه کونیت دولت ایران مجبور شد که یک عمل انحصاری بکنند و جلو این وضعیت را بگیرد و حالا من بینم که روی آزادی تجارت که من اطلاعی ندارم وله و بعلاجهش نمیتوانم رای بدهم و مجبورم که در موقع رای امتناع بکنم چون من اطلاعات اقتصادی عمیقی که بتوانم رای بدهم ندارم ولی کلی مفهوم که الفبای اقتصاد که عبارت از عرضه و تقاضاست متری سه مایه روی آمد یک دست فروخته شد هان دست هم خریدار و ملکت دیگری بیست میلیون نفوس فروروشد و بیست میلیون خریدار بدیهاست که انصار اقتصادیست آن بگفرانست و هر طرف میخواهد میکند ، حالا دولت ایران ، معسکت من که نیفهم و اقرار بنادانی خودم میکنم و خیلی ها باشند که مثل من باشند ولی خودشان را اغلب علما معرفی میکنند و این قوانین را میگذازند حالا نتیجه اش چه میشود من نمیدانم ، من معتقدم برای این کار ارزش دارد از علمای بزرگ دنیا نه از آنها بگفته خودشان رای نفع باشند ، استفاده بکنیم ، و باوضاع و سبله ای پیدا میکند ، حالا این موضوع را بگذازم کنار بحثی را وارد نمیکنم

وظیفه ای در آنجا بوده است که این کار هزاره من جور خودشان نمیروند بکنند ظاهرا اگر گتند دولت بشا قرض میدهند کار بکنند و این جادامه عظیمی که ساخته شده در نتیجه کار وظیفه انجام شده ماسر باز - هایمان ، نظامیها ما از پهلو میادو مدارش که کنار میروند توی سربازخانه فقط یک دیواید میکروند نیاسلام دان بجنب نافوق در صورتیکه اینها را باید در هر قسمتی که بودند همان کار بفع ملکت بدارندشان من نظرم اینست ، در جنگ بین المللی اول از کاشان می آمدیم ، تهران روسها رفتند بودند تا اسفهان مارا گرفتند و راه کاشان و که خیلی راه خراب دیدی بود که ما با کالسکه یستی بزحمت رفتیم من موقی که پنج ششماه آنجا سرگردان بودم و بر گتتم دیدم یک پنج شش کیلو متری راهش خوب شده ، یک گرنه کاسمش زرافرومش کردم ستلاخ خیلی بیی بود گداشته اند ، خیلی خوب بود من پرسیدم که کی کاشان را خراب کرده گفتم کوروسها باشد که مصرف کننده و تولید کنندگان واسطه های را کم بکنند حداقل ما بقیع و بعضی در اینجا کار داشتند ، داشته باشد نماند انصاف نداشته باشد این بی عدالتی ها و گرانی ها از بین میروند بعضیها روزی چند هزار تومان در این شهر استفاده میکنند و راست راست راه میروند و هیچ عملی هم توی میدان انجام نمیدهند اونشته و معصوم زارع را که آمده برداشته تا پایادی مختلف و رسید بازار اسلامبول و با صدو محمود تقسیم شده بگفر آدم چند هزار تومان میرد این وضعیت باید خاتمه داده شود بوسله تأسیس شرکتهای تعاونی اینست که من معتقدم دولت باید تأمین بکنند حداقل زندگی و احتیاجات ضروری مردم را از پارچه و سایر اجناس از راه تأسیس فروشگاهی عمومی و شرکتهای تعاونی بکنند ، اینها خیال رفتن ندارند از خانه ما و یک همفاهمی هستند که آمدند خانه ما و حالا برای اینکه راهشان مسدود نشود دارند یل میسازند یل را آب برده دارند میسازند بعضش هم رفتند ، آنها سر بازارشان را بیکار ننگیذاشتند در ملکت دشمن هم اگر بود و آبادی هم برای خودش نمیکرد و نفس بیک ملکت دیگری میرسد بیکار گذاشتن سرباز را برای خودش باز بضرر میباشند ، از سربازها هر کدام در قسمت فلان است ، برای کارهای راهسازی از روحوشان استفاده میکنند آن راههایی که بهتر در آنجا با کار اجباری انجام داده اگرما از سرباز خورمان کمکی انوویم هم از اجوبی راستش نیاید یا اگر بیاید از بالا یا با اینشتن میروند و میکنند بهتر برای کارلوا داشتن بیکارها این جاده راستخته است من پرسیدم که این را چه جور ساخته شده است گفتم که این یک کار

آزادی باشد ولی ما آزاد پرا تر چه کردیم خود سری در صورتیکه در مالک قانونی که آزادی هست معصوم بدیت شیاز مالکی است که اراده اشخاص حکومت می کند (صحیح است) باید آزادی معذور بانوان باشد تا درجهای من آزاد هستم که به حدود و حقوق دیگران تعللی و تجاوز نشود اگر من معذور و حقوق دیگران تجاوز کردم نباید سلب آزادی از من بشود نه اینکه ما آزاد پرا معنی کنیم - مطلق العنانی هر کس هر چه دستش می رسد بکنند این حکومت جنگل است این قانون جنگل است این آزادی است که برای درندگان در جنگلهاست که هر کس ضیفتر از خودش را از بین ببرد این آزادی امروز دیگر در دنیا طرفدار ندارد آن آزادی امروز طرفدار دارد که معذور باشد بازادی دیگران من آزادم بشرطیکه آزادی دیگران را معذور نکنم محدودی برای آزادی دیگران قائل باشم در سایه آزادی اشخاص ساختمانشان متفاوت است یکی هست که قوه اینکه یک خروار بار را بلند کند سر دست دارد یکی قوه اینکه دامن بار بردارد ندارد نشود گفت که ما مساوات بین اینها قائل بشویم که هر دو با اینکه خداوند قوای طبیعی اینها را متفاوت قرار داده مثل منم زندگي کنند یکی قوای فکری او شکلی است میروند الکتریکی را اختراع کردند ادین است قوای فکری عالی دارد ، باید در سایه این قوای فکری خودش نان بخورد نمیشود گفت که باید اینهم مثل آن سبکی فقط قوای بدنی دارد معامله شود فاصله طبقاتی باید باشد ولی روی استعداد قابلیت فطری و ذاتی طبقات مشروع میباشد فراموش می کردیم که این همه میروند فراموش مال مردم را خورده اینها بیبند حساب مرا بکنند من وقتی تشخیص دادم کاشه دارد بزرگ میشود این امری خارج خندق تهران قابل استفاده بگتت باشد زخم پیش میرزا عبیسی وزیر و این اراضیا از او خریدیم که کش بافت هزار تومان ارزش خریدیم دیدم آب رودخانه کن هم توی محراب ریخته میشود و نفعه میشود تشخیص دادم که اگر اینجا هم قناتی بزخم اینجا هم پیدا میشود قناتی این قنات کوتریبه را در آوردیم میرزا عبیسی وزیر آمد و معنی من شده که من چونم آبادی کسنده مازان نوشته بود در قنات خندق کتت با تو است من دم که هزار تومان دیگر هم بایشان دادیم نام گرفت آنوقت این اراضیا من آب تویش آوردم و از متری چند فروخته ام و حالا تا متری بیست تومان وسی تومان میفروشم این فکر من وسيله ای شد که شتر را که استفاده های برای هیچکس ندارد و آن آزادی است در این ملکت باید

میتوانم یک چیزی تولید کنم که خودم استفاده کنم مردم هم استفاده کنند حالا باید مرا بگیرند شلایم بزنند بگویند تو درنگر هستی ؟ این استلال مرحوم غرمانترا بود (مهدوی - درست هم نمی گفت) حالا من فلسفه‌آورا صحبت نیکم ما فاصله طبقاتی نباید بان بندها نسیبیم حالا هست بگذاریم بماند باید این فاصله برداشته شود ولی در عین حال خانواده طبقات آفریده است یکی زور باویش بیشتر است میتواند یک خردوار باز بلند بکشد یکی زور باویش کمتر است میتواند یک نینواند بلند بکشد آن اجرت است خردوار بلند کردترا میگیرد و این اجرت نیست من بلند کردترا میگیرد یکی قوای فکریش غالب است میتواند یک ماشیناراه بیندازد که میتواند با اندازه ۵۰۰ عمله کار بکند محصول قوای فکری این یک نفر معادل قوای بدنی ۵۰۰ نفر است نمیتواند معادل قوای بدنی آن در تراوی اجتماع مثل هم نگاه بکنند یک نفر یک مزایای دارد و یک وضعیت فکری و عقلی دارد که بر دیگران رجحان دارد باید برای اوقات قائل شد اینست که من یک اصلیا قائل هستم که دولتها باید اتخاذ تدابیر لازم به منظور اینکه حقوق و مزایای مسترد درآمد هر فرد ایرانی متناسب با استعداد و لیاق و محصول کار او اعم از فکری یا بدنی او باشد این را ما باید شمار قرار بدیم و دستوری باشد برای دولت ها فاصله طبقاتی باید برداشته شود ولی این فاصله شداداری باید همیشه رعایت شود آنکس که دو متر قدش هست بگویند مسای هستی نه اینرا طبیعت نیم متر بلند تر آفریده است قوای فکری اشرا قویتر است او آفریده قوای بدنی او را بیشتر آفریده این فاصله طبقاتی خدادادی باید حفظ شود ولی فاصله طبقاتی که با زور و دست زندگی مردم را غصب بکند یا میروند خیانت بملت ایران میکند باجنی سازش میکند و از اشراه زندگی وسیعتر برای خود درست میکند ریشه این طبقه را باید کند باید فاصله طبقاتی را در نظر گرفت زرد خود خود ولی آن طبقاتی که از حسن نیت رسادگی عالم بشره راهم سواستفاده کرده اند باید بحساب اینها هم رسدگی بشود یکی از مسائلی که باید خیلی درش مطالعه بشود برقراری تعادل لازمت بین هزینه زندگی و درآمد طبقات فاصله کشور و سعی در ارتقاء سطح زندگی عمومی این يك موضوعی است که تا بحال هیچ پان توجه نشده امروز صبح توی اطواق نشسته بوم آقای صدزاده که تشریف آوردند صحبت این شده که يك كراكر ایرانی در سال چقدر خرجش است يك كراكر يك زن دارد و دوتا بچه حد

متوسطش دارد کسانیکه ده تا بچه دارند کاری نداریم ما باید حد اقل در نظر بگیریم برای آنها فکر کنیم کدرسا میومی وصل تا این بشود دولت باید مراقبت بکند در این قسمت که حداقل دستمزد حداقل معاش ایرانی تأمین بشود و دولت خودش هم باید کار برایشان تهیه بکند این وزارت زاه باید هر چه بیکار پیدا میکند برای اینها کار تهیه بکند بفرستد کار بکند حقوقشان را بدهد و برای اینها کار پیدا کند بفرستد که راه شوشه بشود شوشه که شد وسیله ارتباط بیشتر میشود محصول اوزانتر و زودتر و مناسبتر میرسد زندگی مردم سطحی لاماییدار میشود کمیشود تعادلی در زندگی حاصل میشود حالا این يك دستگاهی است که صحبتش در این از این است که قیمت تومانی دستي. بعضی بدهید بگویند آقا فردا این برای بخور این پول را فردا ندارد فردا این گرسنه میماند سرمایه هانفایده اش اینست که دستگاه تولید را بچرخاند بیاید و بکارها مشغول بکار میکند معاش مردم را تأمین میکند اینکار خیلی خوب است يك كسی که خیر کرده است بگویم چرا کار خوب کرده ديك شهرستانی بسیار کار خوبی کرده خیلی هم تشکر میکنم ازش که برای يك شهرستانی لوله کشی کرده است معانی کمک کرده است این کار بسیار خوب است بیاید اجرائش هم کرد ولی من خیر عظیم را چیزی میدانم که تولید کارشود سرمایه های خارجی ما میخواهیم بیاییم اما ایرانیهای که میخواهند سرمایه شان را بیاورند اطینان اینکه توی این مملکت بکار بیندازند قانون است که جلوسر سرمایه وار داخلی را بگیرد و بتواند سرمایه اش را با بکار بیندازد توی يك دستش قانون دیگری است که سرمایه های خارجی را جلب بکند معانی این تضاد را نتوانستیم فهمیم که اینکار مملکت را آخرش بکجا میرساند. کوتاه کردن دستهای واسطه در دادوستد بطوریکه محصولات کشاورزی و صنعتی مستقیماً از دست تولید کننده بدست مصرف کننده برسد و مؤسساتی که واسطه عمل میباشند یا جنبه تعاونی داشته باشند یا بسوسیله شهرداریها و دولت بدون دست تر اکم سرمایه در دست عمده مددوری افراد سرمایه دار و تقلیل قوه خرید آنان از راه واسطه مالیات مخصوص و اتخاذ سایر تدابیر لازم است من در مجلسان تضادها و تناقضهای خیلی دیدم دولت ها که عوض شدند تضادها و تناقض هائی بوده است مع التأسف در این دوره ما گرفتار شدیم بيك تضادهائی که از يك شخص ناشی میشود از يكطرف قانون جلب سرمایه خارجی میآورند که سرمایه خارجی را جلب کنیم و تسهیلات بکنیم و چنین بکنیم چون بکنیم از يك طرف مقررات وضع میشود برای اینکه سرمایه داران داخلی سرمایه خودشان را در کار

برای اینکه گرفتار مقررات واسولی بشود که گرفتار مقررات را بنسب بیشتر از دستش است برای اینکار باید تسهیلات بشود (صدزاده - بدست مردم باید داد) کردم خوشان بکنند و این سرمایه خیلی زیادی هم بقیتم من نمی خواهم این يك كتهای تعاونی بیشتر من نظرم است يك هدای بودند اینها صاف می خریدند آن هدای که آخر سال آذوقه اش تمام میشد و زندگیش تمام میشد چنانچه محصول او با دوامال التجارای بود بنی بود می آمد يك پولی از آن سلف خر میگردان که حق نقد فروش را با این آفایده هم میگرفت حسابی هم بودند از اینها رغبت را میجویدند این جور بود بعضیها بودند خیلی بی رحم که از انفریعت سوءاستفاده میکردند جنس که بدست میآمد کیلویی شش قران را میگفتند دو قران بیا پولش را بگیر و برو بعضیها بودند که ناچیز های حسابی بودند و خدا ترس بودند و می گفتند که خیر حالا معطل هستی این ۵۰۰ تومان را بگیر یک فردا از ما بکنیم که ۵۰۰ پنهای که توداری موفقی که قیمت آن معلوم میشود تومان بکشای صد دینار يك عباسی از ترا برای اینکه من سه ما بیشتر بتو پول دادام بن بده آنرا اگر بستان حق العمل بانک میگردی و يك اجرائیهای صادر میکنی و يك بدستور بکنی یا بیشتر در دینا و آقاي عباسی در اینها بیشتر میگردند این که دفتر دارد و نه دستك که بگویند آقا مالباست بدنه نه تمبر داره چیزی فقط چیزی که دارد دستك است اینست که روزی صد تا حواله سه بانك است که این روزها بدست و در روزی صد تنه حواله سه بانك است که این سرمایه دارها بی رحمی ویی انصافی و ظلم و تعدی نسبت بان طبقه ذراغ و تولید کننده این ننگند باید يك همچو دستگاهی را بر امانات که خود دولت نظارت بکند و عمل را سرمایه داران داخلی نظارت انجام بدهند تاجر رسته تاجر خشکیار یا تاجر بشم در هر شهرستانی ده بیست تا بیشتر نیستند مابقی دلالت آنکسی که در ترفند حیدریه با کاشمیر زر میبرد میبرد حمل می کند دوسه نفرند بقیه واسطه و دلالت که از او میگیرند و يك قران اضافه میکنند میدهند بدبگیری اگر بشود که شرکتهای تعاونی را بسوسیله خود اینها که هم وارد کنند امنته هستند دست اولند در روز در امنته دست آخر در فروش امنته از ایران اینها را بسوسیله يك شرکتهای کما قیمت قضائی بآنها بدهد که اراده قانون باشد نه اراده شخصی جمع کنند و این شرکتهای را تشکیل بدهد اراده شخصی را بیاورد بکنند بطوری نباشد که اراده شخصی زیر باویش اشخاص را بگیرد و با يك تصویب نامه ای يك میلیون تومان بهشان برسانند بقیتم من سرمایه های داخلی میتوانند این شرکتهای تعاونی را راه داخلی میآورند دولت لازم نیست خودش سرمایه راه بیندازد دولت باید حمایت بکند و يك كسب و صنعت و ولایات هم باید در کار داشته باشند که این طبقات مصرف کنند و تولید کنند بهم نزدیک بشوند و رسالتها را این

برند و همچنین برای جلوگیری از تراکم سرمایه های شرکتهای تولید کننده باید بقیتم من در تهران ششدهم که هشتاد اشخاصی عهد ای از آنها عموماً و راهی ما هستند از این سرائیل هستند اینها به دفتی دارند نه تمبر تانهای موجودیشان توی اینها هست حالا ده میلیون است بیست میلیون است ۵۰ میلیون است نیدانم این سته از اشخاص میگرد میروند ذر جبره عموماً اش پیشینه دلالتی آید و برایش سفته میآورند این سفته های معشیری که میدانند که این آدم سرفوت بدهی خودش را میدهد و بگرمی خواهد اجرائی و احضار به برایش صادر شود این سفته ها را میگیرد و تومانی هایش را هم کسر می کند و تمبری هم می چسباند و يك چك میدهد بیانك که این پنجاه سفته تومانی را بدهد باقاي عباسی تمبری آقاي عباسی تمبری پولش را بگیرد و برو بعضیها بودند که ناچیز های حسابی بودند و خدا ترس بودند و می گفتند که خیر حالا معطل هستی این ۵۰۰ تومان را بگیر یک فردا از ما بکنیم که ۵۰۰ پنهای که توداری موفقی که قیمت آن معلوم میشود تومان بکشای صد دینار يك عباسی از ترا برای اینکه من سه ما بیشتر بتو پول دادام بن بده آنرا اگر بستان حق العمل بانک میگردی و يك اجرائیهای صادر میکنی و يك بدستور بکنی یا بیشتر در دینا و آقاي عباسی در اینها بیشتر میگردند این که دفتر دارد و نه دستك که بگویند آقا مالباست بدنه نه تمبر داره چیزی فقط چیزی که دارد دستك است اینست که روزی صد تا حواله سه بانك است که این روزها بدست و در روزی صد تنه حواله سه بانك است که این سرمایه دارها بی رحمی ویی انصافی و ظلم و تعدی نسبت بان طبقه ذراغ و تولید کننده این ننگند باید يك همچو دستگاهی را بر امانات که خود دولت نظارت بکند و عمل را سرمایه داران داخلی نظارت انجام بدهند تاجر رسته تاجر خشکیار یا تاجر بشم در هر شهرستانی ده بیست تا بیشتر نیستند مابقی دلالت آنکسی که در ترفند حیدریه با کاشمیر زر میبرد میبرد حمل می کند دوسه نفرند بقیه واسطه و دلالت که از او میگیرند و يك قران اضافه میکنند میدهند بدبگیری اگر بشود که شرکتهای تعاونی را بسوسیله خود اینها که هم وارد کنند امنته هستند دست اولند در روز در امنته دست آخر در فروش امنته از ایران اینها را بسوسیله يك شرکتهای کما قیمت قضائی بآنها بدهد که اراده قانون باشد نه اراده شخصی جمع کنند و این شرکتهای را تشکیل بدهد اراده شخصی را بیاورد بکنند بطوری نباشد که اراده شخصی زیر باویش اشخاص را بگیرد و با يك تصویب نامه ای يك میلیون تومان بهشان برسانند بقیتم من سرمایه های داخلی میتوانند این شرکتهای تعاونی را راه داخلی میآورند دولت لازم نیست خودش سرمایه راه بیندازد دولت باید حمایت بکند و يك كسب و صنعت و ولایات هم باید در کار داشته باشند که این طبقات مصرف کنند و تولید کنند بهم نزدیک بشوند و رسالتها را این

چون در فرمایشات ایشان باید توضیح بدهم

آذربایجان گفته شد هیچ از این حرفها نبود آن کشت و بناظر راهلهای مردم ایران داشتند همان افراد با یکدیگر قریباً دومرتبه سر کار گذاشتند من معتقدم که باید از پایه کارهای مملکت را درست بشود بایست اول انتخابات است باید حزب در مملکت باشد تا اثر کز افکار درونی یک مواد و مرامی شود مردم وکیل انتخاب میکنند مقدهماش این است که مردم بفرهنگ وکیل پیوه در دشان میگرداند و زمینروایه که ما در انتخابات داریم شکلی است که یک مرکز قدرتی اگر نظر مخالفی با حائری زاده گرفتند حائری زاده باید خودش برود بیرون هر چه طرفدار داشته باشد بکشای نیارزد مثل اینکه حائری زاده در دوره چهارم و پنجم و ششم انتخاب شد بعد مراکز قدرت مصلحت نداشتند رفت که رفت ولی باید شکلی شود که مراکز قدرت نتوانند این کار را بکنند. من یک طرحی تهیه کردم در دوره یازدهم با زدهم مجلس دادم در دوره شانزدهم با زدهم با توجه به مشق و در کبسون نبود هم مطرح شد ولی مثل سایر طرحها هم که ماند دوره هفدهم که جناب دکتر مصدق وارد این صحنه شده بودند من طرح را ندادم دیدم نتیجه ندارد یک وقتی از وزارت کشور بن نوشتند که جناب دکتر گفته است فلان کس نظرش را بدهم گفتم من در دوره های قبل نظر مرا داده ام چاپ کرده اند نظر هم هیچ فرقی نکرد است باز هم همان نظریات خود را که چاپ شده بود فرستادم بوزارت کشور یکی هم برای جناب دکتر مصدق ولی بازم دفن شدن من مقدم در این مملکت و کلاهی که انتخاب میکنند نشود در ایرایی مثل دیلم ، ابتدائی ، سیکل اول ، سیکل دوم ، لیسانس و دکتری برایش قائل ند و بگویم آن کسانی که برای انجمن شهر انتخاب میکنند باید مثلا لیسانس باشند برای مجلس که انتخاب میکنند باید دیگر عضو باشند که برای انجمن باید دیگر کس باشد در هیچ جای دنیا این رویه نیست مگر برای مجلس اعیانای مملکت شیوخ و مجلس سنا که مجلس است یک شرایط علمی و جزئی دیگری قائل شد و کبلی که برای ملت در یک جانی انتخاب میشود اعزام میشود همچو شرایطی در هیچ جای دنیا برایش نیکدارند چه انجمن شهر باشد چه انجمن ایالتی باشد چه مجلس شورای ملی باشد من فکر کردم اگر داریه صل راما کوچک بگیریم حالا نظر این است که هر صدهزار نفر یک نفر وکیل انتخاب بکنند البته بعضی جاها هست که عدلمان خیلی کمتر از صد هزار نفر است و یک وکیل دارند مثلا نائین حوزه است که عدلمان خیلی کمتر است از صد هزار نفر ولی از صدهزار و طبع این حق را بآنها دادند یعنی جاهاست که چهارصد ، یا صد هزار نفر جمیت دارد و یک وکیل دادند آن

دروزی که آن طرح را نوشته اند با اطلاع از جمیت نداشته اند باجمیت تحول پیدا کرده است مثلا در خوزستان ، خرمشهر و آبادان ، آبادان خودش سیصد هزار نفر جمیت دارد خرمشهر هم همینطور یا اهواز در این قانون انتخابات ما اهوازیکی باشد تا اثر کز افکار درونی یک مواد و مرامی شود مردم وکیل انتخاب میکنند مقدهماش این است که مردم بفرهنگ وکیل پیوه در دشان میگرداند و زمینروایه که ما در انتخابات داریم شکلی است که یک مرکز قدرتی اگر نظر مخالفی با حائری زاده گرفتند حائری زاده باید خودش برود بیرون هر چه طرفدار داشته باشد بکشای نیارزد مثل اینکه حائری زاده در دوره چهارم و پنجم و ششم انتخاب شد بعد مراکز قدرت مصلحت نداشتند رفت که رفت ولی باید شکلی شود که مراکز قدرت نتوانند این کار را بکنند. من یک طرحی تهیه کردم در دوره یازدهم با زدهم مجلس دادم در دوره شانزدهم با زدهم با توجه به مشق و در کبسون نبود هم مطرح شد ولی مثل سایر طرحها هم که ماند دوره هفدهم که جناب دکتر مصدق وارد این صحنه شده بودند من طرح را ندادم دیدم نتیجه ندارد یک وقتی از وزارت کشور بن نوشتند که جناب دکتر گفته است فلان کس نظرش را بدهم گفتم من در دوره های قبل نظر مرا داده ام چاپ کرده اند نظر هم هیچ فرقی نکرد است باز هم همان نظریات خود را که چاپ شده بود فرستادم بوزارت کشور یکی هم برای جناب دکتر مصدق ولی بازم دفن شدن من مقدم در این مملکت و کلاهی که انتخاب میکنند نشود در ایرایی مثل دیلم ، ابتدائی ، سیکل اول ، سیکل دوم ، لیسانس و دکتری برایش قائل ند و بگویم آن کسانی که برای انجمن شهر انتخاب میکنند باید مثلا لیسانس باشند برای مجلس که انتخاب میکنند باید دیگر کس باشد در هیچ جای دنیا این رویه نیست مگر برای مجلس اعیانای مملکت شیوخ و مجلس سنا که مجلس است یک شرایط علمی و جزئی دیگری قائل شد و کبلی که برای ملت در یک جانی انتخاب میشود اعزام میشود همچو شرایطی در هیچ جای دنیا برایش نیکدارند چه انجمن شهر باشد چه انجمن ایالتی باشد چه مجلس شورای ملی باشد من فکر کردم اگر داریه صل راما کوچک بگیریم حالا نظر این است که هر صدهزار نفر یک نفر وکیل انتخاب بکنند البته بعضی جاها هست که عدلمان خیلی کمتر از صد هزار نفر است و یک وکیل دارند مثلا نائین حوزه است که عدلمان خیلی کمتر است از صد هزار نفر ولی از صدهزار و طبع این حق را بآنها دادند یعنی جاهاست که چهارصد ، یا صد هزار نفر جمیت دارد و یک وکیل دادند آن

میکنند در تمام ایران البته در ظرف یکی دوام این کار انجام میشود خیلی مهم نیست جنگ و نزاعی هم نیست که تو حق شرکت در انتخابات را داری یا نداری کنگ کاری هم در بین نیست پس از اینکه این کارها را آقایان گرفتند موقع انتخابات در هزار دفترهای داریم که توی هر دفترچه ای اسامی انتخاب کننده آن حوزه توش نوشته شده اند در دفترچه آن حوزه میداریم میریم آنجا بیست نفر از آنها یک بیایم یا هر یک چهارم روی هرده نفر بگویم هرده هزار نفر جمعیت یک وکیل انتخاب میکنند ولی این وکلا هم هستند برای اینکه در کارهای انجمن شهر باشند ما با انجمن استان باشند مجلس شورای ملی باشند فرض کنیم که نیشابور دارای صدهزار جمیت است باید وکیل بفرستد تهران ده نفر انتخاب میکنند هرده هزار نفر یک نفر انتخاب میکنند دفتر کانتخاب شدنم نفر نشان میشود در دفتر نیشابور بهم باید بکنند هر چه پدید بیاید مثل بگویند میگویند بالاخره کانونی مشخص میشود آروز انتخابات در تمام ایران که آمده اند اینجا حالا بیانات در امیر فرماید فرمودند آیین نامه رعایت شود اما بقانون ناحیه ای دور هم جمع شده اند بعضی نفرستند مجلس شورای ملی باید تکلیبات اجتهای ملکشان را روی این اصل بگذاریم و این مرکز بیکه امروز برای خودمان قائل شده ایم این را بولات حق بدیم دولت مرکزی کارهای محدود باشد به سیاست خارجی و کارهای عمومی یک کارهای کلی و ملکی را برایش میکنند هر بخش ده هزار نفری یک نفر از ازمین خودشان انتخاب میکنند ده نفر در یک مرکز جمع میشوند یک نفر را میفرستند تهران پس این دوست نفری که تهران میآید هر کدامشان مسلم ۹ نفر دیگر موکل دارند که اینها علمند فهمیده اند و برای داده اند فرستادند اینجا انتخاب شده اند. طرز انتخابات هم باید شکلی باشد که حکومت مرکزی نتواند اعمال قدرت کند باین ترتیب ۶ ماموش از آنکار یک مأمور وزارت کشور با کدخدای محل میروند آنجا کسانیکه واجد حق انتخاب هستند مثل اینکه کوبین میگردانند برای انتخاب تهران برای راهنمای بولات میروند در مقابل انجمنهای محلی مسئولند هر وقت سلب اعتماد از آنها کردند مردم خصمان میگویند باید کار را بدست مردم بسیاریم و طوری نباشد که اداره خود ما را مردم تمیل کنیم این طرز حکومت مشروطیت و دموکراسی را اگر خواست باشیم عمل کنیم بقیده من پایه اش را در انتخابات باید باین طرز شروع کنیم تا زود تر انتخابات برسم و این وضع بلیشوی که فلا داریم از بین برود (با دلاشی آقای اباب فرستاد)

جناب ارباب من تقریری ندارم. تقصیر مال جناب وزیر دارائی است یک لایحه ایراک نیست جنگ و نزاعی هم نیست که تو حق شرکت در انتخابات را داری یا نداری کنگ کاری هم در بین نیست پس از اینکه این کارها را آقایان گرفتند موقع انتخابات در هزار دفترهای داریم که توی هر دفترچه ای اسامی انتخاب کننده آن حوزه توش نوشته شده اند در دفترچه آن حوزه میداریم میریم آنجا بیست نفر از آنها یک بیایم یا هر یک چهارم روی هرده نفر بگویم هرده هزار نفر جمعیت یک وکیل انتخاب میکنند ولی این وکلا هم هستند برای اینکه در کارهای انجمن شهر باشند ما با انجمن استان باشند مجلس شورای ملی باشند فرض کنیم که نیشابور دارای صدهزار جمیت است باید وکیل بفرستد تهران ده نفر انتخاب میکنند هرده هزار نفر یک نفر انتخاب میکنند دفتر کانتخاب شدنم نفر نشان میشود در دفتر نیشابور بهم باید بکنند هر چه پدید بیاید مثل بگویند میگویند بالاخره کانونی مشخص میشود آروز انتخابات در تمام ایران که آمده اند اینجا حالا بیانات در امیر فرماید فرمودند آیین نامه رعایت شود اما بقانون ناحیه ای دور هم جمع شده اند بعضی نفرستند مجلس شورای ملی باید تکلیبات اجتهای ملکشان را روی این اصل بگذاریم و این مرکز بیکه امروز برای خودمان قائل شده ایم این را بولات حق بدیم دولت مرکزی کارهای محدود باشد به سیاست خارجی و کارهای عمومی یک کارهای کلی و ملکی را برایش میکنند هر بخش ده هزار نفری یک نفر از ازمین خودشان انتخاب میکنند ده نفر در یک مرکز جمع میشوند یک نفر را میفرستند تهران پس این دوست نفری که تهران میآید هر کدامشان مسلم ۹ نفر دیگر موکل دارند که اینها علمند فهمیده اند و برای داده اند فرستادند اینجا انتخاب شده اند. طرز انتخابات هم باید شکلی باشد که حکومت مرکزی نتواند اعمال قدرت کند باین ترتیب ۶ ماموش از آنکار یک مأمور وزارت کشور با کدخدای محل میروند آنجا کسانیکه واجد حق انتخاب هستند مثل اینکه کوبین میگردانند برای انتخاب تهران برای راهنمای بولات میروند در مقابل انجمنهای محلی مسئولند هر وقت سلب اعتماد از آنها کردند مردم خصمان میگویند باید کار را بدست مردم بسیاریم و طوری نباشد که اداره خود ما را مردم تمیل کنیم این طرز حکومت مشروطیت و دموکراسی را اگر خواست باشیم عمل کنیم بقیده من پایه اش را در انتخابات باید باین طرز شروع کنیم تا زود تر انتخابات برسم و این وضع بلیشوی که فلا داریم از بین برود (با دلاشی آقای اباب فرستاد)

از جواب آقای وزیر دارائی مطرح شد که عرض کنم من عرض کنم جناب آقای حائری زاده که تشریف آورند بشت تریبون اول فرمودند اصول در مملکت رعایت میشود و روی عدم رعایت اصول طبق نتیجه ای که خودشان استنتاج کردند مطالبی فرمودند آقای حائری زاده موافق دولت هستند و بعنوان موافق مشروط اسم نویسی کرده اند که بنده سراپا گوش بودم که این بوجه ایکه تقدیم شد (حائری زاده سه روز در دارائی موافق دولت چه ایراد و اعتراضی دارند که بنده وزیر دارائی مملکت و دولت بفراهمد که اصلاح شود قاعدتاً بنده باید جواب آقای رضائی را بدهم ولی خیال میکنم بهتر است از جواب آقای حائری زاده شروع کنم ایشان در بیاناتشان یک نفس ثانوی بنده و وزیر دارائی دادند و بنده آنها را رعایتاً برایت احترام سن ایشان و احترام مجلس جواب نیندم (احسن) ایشان هم این انتظار و توقع را نداشته باشند که یک کسی که میآید صحب وشب جان میکند و در حدود هم توانائی میآوردن وقتی است که تفریح بوجه سال پیش را داده باشند اینک بعد از چهار سال و پنجاه سال لایحه تفریح بوجه مرحوم مرغه زندگی میکنند اینها همه را ندیده بگیرند ایشان مرد اصولی هستند و معتقدند که بالاخره دولت یک سلبه را به مسئولیت مشترک دارد وزیر دارائی وزیر بهداری وزیر فرهنگ هیچ فرقی نمیکند (صحیح است) بخصوص در امر بوجه تاس مستقیم با تمام کارهای مملکت دارائی نمیشود گفت که وزیر دارائی مشول است و دیگران مشول نیستند (صحیح است) فقط بنده با اجازه خودشان خواستم توجه ایشان را جلب کنم که بنده در مورد فهم خودم تفهیمم کایشان کاظهار علاقه جناب آقای نخست وزیر میکنند این علاقه بنی بر چیست ؟ اقتضات ایشان این دولت و بعقد بنده این مجلس چند کار مهم است که انجام داده یکی ایجاد رعایت روابط با دولت انگلستان و روشن سازی زاده مطلقاً با وجود انگلستان مخالفند چه برسد بر امله بیشتر دیگر کل قضیه نفت که از مسائل بسیار پیچیده و غامض این مملکت بود و بنده خیال میکنم که در داخل این قضیه بنده لاقل یک سهم ناچیزی دارم (صحیح است) زحمت کشیده ام و از آقای حائری زاده فضا شنیدم ام و نوکران یک شدم ایشان بنده که مخالفند یک کار دیگر این دولت لایحه تصیل اعتبار بوده است که آقای حائری زاده با آن هم موافق نبودند آن اقدام دیگری یشوناه اسکناس بوده ایشان با بنهم مخالف کرده اند آخرین اقدامی که شده بعقد بنده نظر ایجاد احترام و اعتبار در خارج برای

مملکت ایران است بوجه است که هیچ وقت بوجه اش بومع یکدشته و یک دولتی که هیچوقت بوجه مرتب ندارد یعنی مایه مرتب ندارد اعتباری ندارد با بنهم مخالفند بنده میخوانم ببینم که علاقه ایشان جناب آقای نخست وزیر و دولت ایشان روی چیست علاقه شخصی است ؟ والا من حجت نخست وزیر و رئیس دولت بنده نیندم اگر خدای نخواست که یک روزی ایشان مخالف سرخست بشوند چه میکنند (مشایب- امنیت را هم بفراهمد) بنده عجالت این قسمت را میگذارم برای آخر برای اینکه میخوانم بشنم ایجاد کنیم بنده خیال میکنم که نماینده اقلیت ولو اینکه مخالف باشد نیکوید که وزیر دارائی مملکت که بوجه را آورده در هیات دولت با همکاران خودش مبارزه کرده ایجاد دعوی کرده این بوجه را تصویب کرده امضاء کرده بگویی وزیر دارائی شخص اول مملکت است از افتعال کرده ترسین- الوزراء و افتعال کرده تمام افراد این مملکت را افتعال کرده است فقط در این وسط یک نفر متوجه شده و نخواست افتعال شود که آنهم آقای حائری زاده است حالا بنده نیندم اگر سنت پارلمانی و رویه پارلمانی این است ؟ من حرفی ندارم ولی علی اجمال بنده آروزیکه مسئولیت وزارت دارائی را قبول کردم به تمام اینها در بنم مایلیم (بورس رسیده- مأموری کفرمودید بنده این حرفها صرف نظر کنید) بنده خیال میکنم که کار مثبت کردن همیشه در این مملکت توأم بوده است با فضا خوردن و ناسزا شنیدن در صورتیکه تمام بدبختی های این مملکت ناشی از زمین بازی و سوا بوتاز عدلی باغیر عدلی بوده است و بنده باید یک مرتبه دیگر بگویم در این مجلس لاقل ما که توانستیم چند تا کار مثبت انجام بدیم بنده امیدوارم این یک طلبه ای باشد برای اینکه بتوانیم در سایه عملیات مثبت یک کار های مفیدی برای مملکت انجام بدیم. بنده هر قدر میخوانم این مطلب را نگویم نتیوانم کتمان کنم که لاقل بنده متعلق بفصلی هستم حالا نمیخوانم ادعای جوانی بکنم آیا انصاف است که اشخاصی که سالیان دراز بعنوان مختلف در این مملکت یا وکیل بوده اند یا قاضی عالی رتبه بوده اند یا بالاخره مشاور دولت بوده اند مدعی بشوند که تمام حرفها بوجه سال گذشته را بیاورند تا این بدبختی ها را بنده وزیر دارائی ایجاد کردم آقای حائری زاده عمری در سیاست بوده اند و بنده خودم وقتی شاگرد مدرسه بودم در همین از تاشا جیبان ناظر بودم عملیات ایشان را که در اقلیت بودند که با سردار سبه کدر آونومق وزیر جنگ بودند مخالف شدید نمیکردند و بنده اینطور

بوده است و در آن وقت چون بنده وزیر
 دارائی هستم اگر لایحه تفریح بودجه
 [نیاموز باید دولتی توریس بنده بنده بودیم
 در این مجلس را گفتند که آقایان بودجه
 را رسیدگی کرد و اگر خوب نبود باید بود
 سر وزیر دارائی ایشان از این حرف
 استفاده کردند تازه میخوانند حساب
 ضابط کنند که نتیجه بگیرند بنده حرفی
 ندارم باید بودجه رسیدگی کرد اگر
 این بودجه معمول است خریدی خوب
 بخینه بنده باید کرد علی ای حال بنده
 بنده شرط دادن لایحه بودجه این نیست
 که لایحه تفریح بودجه را قیلاً بدهند
 دیوان محاسبات و قطع کردانه الانهم
 حساب رکنی وزارت دارائی متشابه
 نیست بجایهای گذشته ندارد (پورسرتیب
 لایحه) ایشان را بیارید (عاده اختیارات
 دیوان محاسبات را باید کرد دیوان
 محاسبات را مجهز کرد و این حسابها را
 روشن کرد بنابراین از این جهت فرقی
 بیناصل فعلی این دولت و عملیات دولتی
 گذشته نیست فرقی که در این بودجه هست آقای
 مستر هر قدر مقدمه بودجه ذکر کرده اند خود
 از این بودجه خارج کرده اند بعد در قسمت
 کارهای عمرانی و سازمان برنامه دولت
 متعهد هستند که بودجههای عمرانی و تولیدی
 و نگاههای دولتی را بتوان بودجه مشبه
 بیاروند ایشان اگر قدری توجه میفرمودند
 با تحقیق میکردند بر این رفاه اشکال میشد
 همه جای دنیا با این بودجه اصلی است و یک
 بودجه های الهاتی و فرعی یا همه را یک
 گذاشت در یک بودجه و بودجه عمومی
 یا بعد یا اینکه بودجه را بشکل چهار دیواری
 آورد که بعد زوی آن بودجه فرعی ترتیب
 داده شود یکی از آقایان نماینده کان فرمودند
 مدتی همین گفته که دولت موظف باشد
 بودجه تفصیلی را بیارود (صاری) بنده
 (بود) این هم بنده نیست و نظر ایشان است
 معمولاً وقتی بودجه مطرح میشود البته آقایان
 نماینده کان راجع بدرآمد و هزینه صحبت
 میفرمایند در قسمت در آمدش همه جای
 دنیا طرفدار طبقات ضعیف هستند و میگویند
 از مالیاتهای که شما پیش بینی کرده اید ابعاد
 غیر مستقیم بنگاه و بر مستقیم بفریاده که
 بالاخره طبقه محروم مملکت کمتر بخش
 تحویل شود ایشان در ضمن مرام نامه
 خودشان بقدری توضیحات دادند که بنده
 نتیجه گرفتم آن مرام نامه را بجای این بودجه
 بنده قبول کنم و در این بودجه و بنده خواستم
 راجع باین مرامنامه عرض بکنم که
 آتش چنان بنده بقیته که این را بدست
 ایشان دادم یک وقتی که بنده در گوشه
 از او روز فکر کردم که اگر یک کار دولتی
 یا خصوصی وجود یابد که بنده مشرک گم
 داشته باشم یا از رفتن آن بشکل بدهند
 بد نیست که صرفت مطالعه می شود و
 یک برنامه ای برای کار آن دولت تنظیم
 شود بنده این برنامه را تنظیم کردم

بنده شال میگویم که در این
 بودجه فقیر خودش پیش از این نبود است
 مینو است و بلا شکل چیزی بنده میخوانم
 در خیابان مصفا شاه اجاره کردم (بزرگ
 ار ارمی) - شاه نصر ایران با یک مملکت مترقی
 بودجه از آقایان که اینجا تفریح است
 نمیتواند در آمد و خرجش همین باشد
 پس بنابراین از نقطه نظر اشخاص
 داخل و خارج باید تمام اینها در یک بودجه
 جامعی منگن شود این یک اثر خاصی
 دیدند که آوردن واژه ای میدان، جیتی
 جمع کردن این مقدرات است برای اینکه
 افراد زیاده تر است و بیشتر بچشم خورد
 فرام بردار غنیمت دیدم رفتم در این
 را تشکیل داده اند اشخاصی را هم معین
 کردند و ما را کنار گذاشته اند بنده کنار
 رفتم و یک عهدی از آن آقایان هم در
 انتخابات محروم شدن یکی آقای تیمورتاش
 است بالاخره هم توفیق حاصل نکردند
 که در دوره بازرهم ایشان انتخاب شوند
 علی ایحال بنده این افتخار را دارم که
 همیشه رفیق بدهتمی رجال بودام رسمی
 کرده ام که هیچوقت آنها را ول نکنم
 انتخابات بودام وقتی بنده وزیر دارائی هستم
 کار خوب میکنم و باید هم کار خوب بکنم
 وظیفه ام هست و بعد هم باید شالوده را
 دوری بریزیم که هر وزیر دارائی که بعد
 آمد روی این رویه کار کند و پیش برود
 بنده هم یک فرد از افراد مملکت هستم
 والا مگر هر کاری که بکنم نفع بیشتری
 دارم؟ غیر غیر از همین حقوق چند نفر از کمترین
 چیز دیگری نیست بنابراین تصریح است
 اینجا گذاشته ام راجع باینکه این حسابها
 از نتخواه کردان گرفته شد و خرج شده
 بحساب قطعی برود یک قسمت زبانی از
 قسمتش بارنامه بنده هستن است بنده میافلتی
 ندارم تولید مملکت را باید تشویق کرد
 باید سعی کرد املاک آباد شود و تحمیل
 مالیات بکارهای تولیدی حتی المقدور کمتر
 بشود تا تولید مملکت بالا برود و خود
 ایشان مسوق هستند که بنده در این قسمت
 بنده چنین و چنان بودم خوب یکدهای
 شاهد هستند بنده واقفا دم تیغخواهد
 یک عهدی که از اجتناب سن و سابقه رهبر
 و راهنمای ما باید باشند اینطور در بین
 طبقه جوان مملکت ایجاد توهم بکنند که
 اینها از اول عرشان منقضی بودند بنده
 میخواستم ایشان عرض کنم که در زمان
 قوام السلطنه در این دوره اخیر بنده
 رفیق بدبختی ایشان بودم ایشان وقتی
 دارای کبکی بودند روزی یک گوسفند زبیری
 داشتند قوم خویش خود بنده آقای مظفر
 فیروز بنده را راه نیندا د هلاکهای نه انتم
 بروم و آقایان بودند لیدر بودند رئیس
 حزب بودند هر چه بودند ایشان فرمودند
 که بزور ما یحرب برودن چه دایمی داشت
 که بزور بخرند برنده گفتم بنده خودم
 با قوم السلطنه مخالفت کردم که حزب
 دولتی نباید ساختن جناب آقای سردار
 وزیر بودجه ملک را خارجاً میبینند

مذاکرات مجلس شورای ملی

شال نکنند که بودجه مملکت همین است
 و در آمد و هزینه مملکت همین است در
 صورتیکه ده برابر این مقدار خارج از
 بودجه ما بنایران با یک مملکت مترقی
 نمیتواند در آمد و خرجش همین باشد
 پس بنابراین از نقطه نظر اشخاص
 داخل و خارج باید تمام اینها در یک بودجه
 جامعی منگن شود این یک اثر خاصی
 دیدند که آوردن واژه ای میدان، جیتی
 جمع کردن این مقدرات است برای اینکه
 افراد زیاده تر است و بیشتر بچشم خورد
 فرام بردار غنیمت دیدم رفتم در این
 را تشکیل داده اند اشخاصی را هم معین
 کردند و ما را کنار گذاشته اند بنده کنار
 رفتم و یک عهدی از آن آقایان هم در
 انتخابات محروم شدن یکی آقای تیمورتاش
 است بالاخره هم توفیق حاصل نکردند
 که در دوره بازرهم ایشان انتخاب شوند
 علی ایحال بنده این افتخار را دارم که
 همیشه رفیق بدهتمی رجال بودام رسمی
 کرده ام که هیچوقت آنها را ول نکنم
 انتخابات بودام وقتی بنده وزیر دارائی هستم
 کار خوب میکنم و باید هم کار خوب بکنم
 وظیفه ام هست و بعد هم باید شالوده را
 دوری بریزیم که هر وزیر دارائی که بعد
 آمد روی این رویه کار کند و پیش برود
 بنده هم یک فرد از افراد مملکت هستم
 والا مگر هر کاری که بکنم نفع بیشتری
 دارم؟ غیر غیر از همین حقوق چند نفر از کمترین
 چیز دیگری نیست بنابراین تصریح است
 اینجا گذاشته ام راجع باینکه این حسابها
 از نتخواه کردان گرفته شد و خرج شده
 بحساب قطعی برود یک قسمت زبانی از
 قسمتش بارنامه بنده هستن است بنده میافلتی
 ندارم تولید مملکت را باید تشویق کرد
 باید سعی کرد املاک آباد شود و تحمیل
 مالیات بکارهای تولیدی حتی المقدور کمتر
 بشود تا تولید مملکت بالا برود و خود
 ایشان مسوق هستند که بنده در این قسمت
 بنده چنین و چنان بودم خوب یکدهای
 شاهد هستند بنده واقفا دم تیغخواهد
 یک عهدی که از اجتناب سن و سابقه رهبر
 و راهنمای ما باید باشند اینطور در بین
 طبقه جوان مملکت ایجاد توهم بکنند که
 اینها از اول عرشان منقضی بودند بنده
 میخواستم ایشان عرض کنم که در زمان
 قوام السلطنه در این دوره اخیر بنده
 رفیق بدبختی ایشان بودم ایشان وقتی
 دارای کبکی بودند روزی یک گوسفند زبیری
 داشتند قوم خویش خود بنده آقای مظفر
 فیروز بنده را راه نیندا د هلاکهای نه انتم
 بروم و آقایان بودند لیدر بودند رئیس
 حزب بودند هر چه بودند ایشان فرمودند
 که بزور ما یحرب برودن چه دایمی داشت
 که بزور بخرند برنده گفتم بنده خودم
 با قوم السلطنه مخالفت کردم که حزب
 دولتی نباید ساختن جناب آقای سردار
 وزیر بودجه ملک را خارجاً میبینند

انتظار یابادش نداشتند در همه جای دنیا
 میظنور هستند بنابر این بنظر بنده تا آمد
 و تأثر بپوشه از آقایان بنده خواستم
 تشکر کنم از آقایان که اینجا تفریح است
 دارند در سر سرا با یک صد از آقایان صحبت
 میکردند که در سایر ممالک از قبیل صبح
 نشسته بودند و تو انهم را تصویب فرمودند
 اگر اعلیحضرت همایونی هم تأکید
 فرمودند برای تصویب بودجه این موضوع
 نباید دلیل بشود که آقای حاروی زاده
 بفرمایند که ما زیر ارااده شمس بروم
 (دکتر یبناک اشتباه کردند) بنده خیال میکنم
 که اعلیحضرت همایونی کواظره مملکت ایشان
 راهنمایی است این نظر خوبی است که
 ایشان از این مسافرتی که برگشتند بیاناتی
 فراموش کردند و ما بنده بنده مملکت کرده اند
 و بهمانند که ملت ایران است و مجلس ایران
 آماده برای کار و فعالیت است البته انتظار
 توقع دارند که این نونه فعالیت داد بگرن
 به بنده از شما خودمان که تنها نیستیم در
 خارج از سرحدات مملکت هم اشخاصی ناظر
 علیات ما هستند. اگر کجاب سرمایه های
 خارجی با این عجله و شتاب میخوانم
 بگذرانیم یکی از موجهات جلب سرمایه
 های خارجی نظم در امر مالی است مملکتی
 که ماله اش مرتب نیست و نظمی ندارد
 چگونه میتواند سرمایه خارجی را با این مملکت
 بیارود بنابراین موضوع تأکید اعلیحضرت
 همایونی را باید این طور تلقی کرد که
 ایشان انتظار دارند، توقع دارند که
 افراد این مملکت که دولت و مجلس هستند
 بشینند کار کنند و اثر فعالیت و برنامه
 و کار خودشان بتوانند برنامه های عملی
 را اجرا کنند و متأسفانه ما خیلی عقب هستیم
 و باید جبران کنیم در امر جبران عقب بنده
 کار کردن است در خانه خواستم از آقایان
 تشکر کنم که مامور و حوصله تأمل فرمودند
 و اگر چند ساعت دیگری تأمل بفرمایند
 کاین موضوع خانمه پیدا کنند خیال میکنم
 در مجلس سابقه ندارد چنین کاری شده
 باشد و یک اختفاری بر افتخارات این مجلس
 افزوده شده است. (احسنت)
 رئیس - پیشنها داشتند مذاکرات
 رسیده است فرات میشود.
 (بشرح ذیل فرات شد)
 رئیس - پیشنها میکنم که پس از استماع نظر
 یک موافق و مخالف مذاکرات کافی باشد
 عیدیه نوری
 رئیس - آقای عیدیه نوری.
 عیدیه نوری - بنده آنچه که در
 گزارش کمیسیون بودجه مطالعه کردم
 بنظر آمد تا بوجه و مطالعه ای که آقایان
 محترم در متن لایحه مقدمه و همچنین در ماده
 واحده و تبصره ها فرموده اند مطلب خیلی
 روشن شده و مثل این که حاجتی به بحث
 طولانی ندارد در قسمت هایی که بنویس مخالف
 موافق در مجلس جیستند از آنج که ایحال
 بنوی که مملکت ملاحظه را فرموده اند
 در امورات ملک بود (دکتر جزایری -
 اصلاحیه بودجه صحبت شد) مثل این که آقایان
 موافقین و مخالفین که بحث فرمودند قائم
 هستند و معتقد هستند که باید طبق قانون
 اساسی بودجه مملکتی قبل از طول سال
 جدید گذشته و تصویب برسد باید بودجه
 سومی مملکتی فرمودند و البته جای
 هم که جناب آقای وزیر دارائی فرمودند
 قسمتی از آن نکات را روشن کردند
 در این بودجه بنده می بینم ممانعور که
 بحث شد با تاجازه اخذ مالیات ها و عوارض
 هست بر این مال آینه که فقط آقایان
 نمایندگان محترم مهال هستند که قوانین مالیاتی
 و قوانین درآمد ها را برایش بود که مادمای
 هست در قسمت خرج که آن منوط حقوق
 ادارات و هزینه های مستمر جاری است که
 رقیس - آقا شما در اصل موضوع
 میفرمایید؟
 عیدیه نوری - بنده از نظر این
 که مذاکرات کافی است از لوزش را دارم
 عرض میکنم عرض میکنم که این همان
 مطلبی است که آقایان بصورت یک
 دوازدهم و دو دوازدهم و سه دوازدهم
 آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی
 تصویب میفرمایند. بنابراین چیز جدیدی
 نسبت جزمنا دخلو خرج که تا بحال از
 نظر مغارج مستمر ادارات بوده از نظر
 اخذ عوارض بیزیاتی که تا بحال بوده است
 و این امری است که مجلس شورای ملی قیلاً
 تصویب کرده است و بجهاد آنچه که بنده
 استنباط میکنم نکته بار یک و مهمی مانده
 که جای بحث داشته باشد اما این تقاضی
 که بنده در خارج حاصل شده که در حدود
 ۲ میلیارد ریال است اینهم مجلس تأمین
 شده یعنی آقایان محترم خودشان قیلاً تصویب
 فرموده اند از آن ۲۲ میلیون دلار تأمین
 شود بابت مخارج کلی هم که مالیاتی اگر
 اضافی باشد البته تصویب میکنم یا مجلس
 شورای ملی است بنده برای عظمت کشور در
 می بینم اقدام مهمی می باشد
 قسمت خرج آن اضافه شده است ملاحظه فرمائید
 خرجی که از نظر مملکت لازم است امنیت
 کشور است.

کمیسیون بودجه هرايش بکنم البته چون فلا تبصره ها مطرح است از نظر کلی هر شی نیکنم و در پایان اجازه میگویم که مقام ریاست هم اجازه فرمابند که بعد از باره روش کمیسیون بودجه عرض بکنم اما راجع باین تبصره این تبصره بدو قسمت تقسیم میشود یکی نقل و انتقالات اعتبارات کارگرفتی است و در ذیل این تبصره بطور کلی ذکر شده که نقل و انتقالات بطور کلی ممنوع است یعنی برای استفاده حقوق کارمند نمیشود از ماده ای آورد باین ماده

تیسر - ۲ - نقل و انتقال اعتباراتیکه در وصول مواد هریک از بودجه های جزء سال ۱۳۳۴ وزارتخانهها و ادارات کل و پتگاهها که بتصویب کمیسیون بودجه رسیده از ماده ای بناه دیگر بدون پیشنهاد وزارت دارائی و تصویب کمیسیون بودجه مجاز نبوده و بهر حال نقل و انتقالات اعتبارات کارگرفتی باماده بودجه های اداری و سایر مخارج و بامکس در بودجه های تفصیلی ممنوع است.

رئیس - آقای وزیر دارائی فرمائید اضافه کرد و با یک کسرا استفاده جدید کرد یا بالاخره روشی اتخاذ کرد که کادر مستخدمین بالا برود پس بنا بر این نظر جناب آقای جلیلی از نظر کلی که وزارتخانهها نتوانند افرات بکنند و خرج بکنند در این قسمت تأمین شده است اما در قسمت اول هم گفته شده است که نقل و انتقال از ماده ای بناه دیگر باید با موافقت وزارت دارائی باشد آقایان در قانون محاسبات عمومی یک اصلی هست برای تصویب بودجه عمومی یک اصلی هم هست برای اجرای بودجه اجرای بودجه در تمام دنیا وزارت دارائی است این یک اصلی است که در تمام دنیا مورد قبول و مورد احترام است و وزارت دارائی مسئول دخل و خرج مملکت است و اگر بنا شود هر قسمت جز بیکر کمیسیون بودجه بیایند مکنست کارها متوقف شود مثلا یکی از مواد بودجه اعتبارات برای سوخت و روشنائی است مکنست در نتیجه یک حواشی بود و هزینه روشنائی ترقی بکنند و وزارت دارائی احتیاج دارد باینکه یک کمکی بکنند از محل دیگری به این اعتبار ایشرا باید بتوانند از آن ماده استفاده کنند برای تأمین کسر خرجی که در یکی از مواد مالی مملکت ایجاد شود بنا بر این نظارت بمعنی واقعی حق و زیارت وزیر دارائی عمل خواهد کرد و آمدن موضوعات کوچک بکمیسیون بودجه هم نظرم تقصیر غرض است و با قانون محاسبات عمومی هم منافات دارد مضافاً باینکه نقل و انتقالات کارگرفتی را در خود بودجه منع کرده اند و با این توضیحات که نظرشان تأمین شده بنده تقاضا میکنم پیشنهادشان را پس بگیرند

جلیلی - آقای وزیر دارائی هایت اعتبارات و این هایت (شرح سابق قرائت شد) قیام فرمائید (رئیس - کسری برخاستند) تصویب نشد پیشنهاد دیگری قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

جندقی از نمایندگان - پیشنهاد خوبی است رئیس - تبصره ۲ با اصلاحیکه طبق پیشنهاد آقای جلیلی میشود قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

تولیدی شهرستان ها و بخش ها و تخصیص و نسبت لزوم و احتیاجات بین آنها تقسیم الی آخر - صدزاده ماستری (بکنفر از نمایندگان - بودجه عمرانی که هنوز نمانده)

رئیس - آقای صدزاده فرمائید راجع به این پیشنهاد یک توجیه فرمائید، اولاً تقسیم به تناسب جمعیت نیست که این اعتبارات میان افراد تقسیم بشود که مثلاً جانی که جمعیت آن ۵۰ نفر است پنجاه تومان بدهند جانی که جمعیت آن صد نفر است ۱۰۰ تومان بدهند چنانکه ۲۰۰ نفر است ۲۰۰ تومان بدهند چنین بنائی نیست و صحیح هم نیست و معقول نیست اگر یک وقتی عواید و پولی را بنسبت جمعیت تقسیم کنید آن وقتی است که بخواهید بهر فردی یک حتم مساوی برسد در صورتیکه منظور این نیست و مقصود عمران مملکت است جناب آقای ضائی توجه فرمائید چون در آن قسمت مخالف بودید منظور اساسی ما این است که از این پولی که اختصاص داده شده است بهر آن همایش در کار خرج نشود شاید در حدود ۱۷۰ سال است که اینجا پایتخت کشور است و هر گونه عمران و آبادی که برای دولت ما میسر بوده است در این جا کرده اند و بنسبت همین عمل و آبادی تهران جمعیت باین طرف هجوم آورده است و پادرجوب و نقاط شمال از جمعیت خالی شده و آن نقاط بیشتر احتیاج عمران و آبادی دارد چرا که برای این که مدت مدیدی قبت عمران و آبادی نشده است باضافه کسانیکه باوضاع طبیعی کشور اطلاع دارند میدانند که منابع ثروت اغلب در شهرستانها و نقاط جنوب کشور وجود دارد الا آن که بخواهید فلاح بکنید ، گفت معین بکنید تمام این عملیات را باید در شهرستانها انجام بدهید و به نقاطی است که بواسطه عدم توجه دولت از جمعیت خالی شده است در صورتیکه اگر عمران و آبادی در آنجا بشود جمعیت با آن نقاط خواهد رفت باضافه عمران و آبادی هریک از آن نقاط ملکت بشود تقریباً همه ملکت از آن بهره مند خواهد شد ، اگر صد نفر بود ساخته شود و زراعت و کشاورزی در آنجا تقویت شود سایر نقاط مملکت هم از آن بهره مند شود ، و بوشهر و بندر جنوب اگر آباد شوند سایر نقاط مملکت از آن استفاده میکنند منطقه فارس اگر آباد شود سایر نقاط مملکت استفاده میکنند بنا بر این پیشنهاد بنده شامل دو قسمت است یکی این است که لااقل جملة افراد هم دارد لافلاف ۵۰ درصد اعتبارات عمرانی برای کارهای عمرانی و تولیدی و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

عده ای از نمایندگان - به نسبت جمعیت

رئیس - آقای وزیر دارائی اولاً این پیشنهاد به نسبت جمعیت ابتکار آقای رضائی است در کمیسیون بودجه اکثریت قریب اتفاق اعضای بودجه با آن موافق بودند و دلیل اینکه بنده موافقت نکردم این بود که شهرستانهای مملکت دو قسمت احتیاج دارند یک قسمت از نظر احتیاجات عمومی است که قسمت اعتبارات مملکت است اگر یک صدی در یک جانی ببندیم باید کارخانه های باید در یک جا تأسیس کنیم ، دو خانه ای است که قابل سدستن است اگر کارخانه سیمانی در یک جانی بخواهیم بگذاریم یک اوضاع و احوال خاصی لازم دارد ولی در هر شهرستانی یک احتیاجات مملی هست از قبیل آبدویی و میریاضات و این قبیل چیزها این را حق دارند شهرستانها که بگیرند در برنامه عمرانی کشور شایب دو قسمت مخالف بودید منظور اساسی ما این است که از این پولی که اختصاص داده شده است بهر آن همایش در کار خرج نشود شاید در حدود ۱۷۰ سال است که اینجا پایتخت کشور است و هر گونه عمران و آبادی که برای دولت ما میسر بوده است در این جا کرده اند و بنسبت همین عمل و آبادی تهران جمعیت باین طرف هجوم آورده است و پادرجوب و نقاط شمال از جمعیت خالی شده و آن نقاط بیشتر احتیاج عمران و آبادی دارد چرا که برای این که مدت مدیدی قبت عمران و آبادی نشده است باضافه کسانیکه باوضاع طبیعی کشور اطلاع دارند میدانند که منابع ثروت اغلب در شهرستانها و نقاط جنوب کشور وجود دارد الا آن که بخواهید فلاح بکنید ، گفت معین بکنید تمام این عملیات را باید در شهرستانها انجام بدهید و به نقاطی است که بواسطه عدم توجه دولت از جمعیت خالی شده است در صورتیکه اگر عمران و آبادی در آنجا بشود جمعیت با آن نقاط خواهد رفت باضافه عمران و آبادی هریک از آن نقاط مملکت بشود تقریباً همه ملکت از آن بهره مند خواهد شد ، اگر صد نفر بود ساخته شود و زراعت و کشاورزی در آنجا تقویت شود سایر نقاط مملکت هم از آن بهره مند شود ، و بوشهر و بندر جنوب اگر آباد شوند سایر نقاط مملکت استفاده میکنند بنا بر این پیشنهاد بنده شامل دو قسمت است یکی این است که لااقل جملة افراد هم دارد لافلاف ۵۰ درصد اعتبارات عمرانی برای کارهای عمرانی و تولیدی و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد اصلاحی جناب آقای صدزاده دو قسمت دارد ، تبصره ای که بنده پیشنهاد کردم و نظر قریب ۶۰ نفر از نمایندگان محترم بود (دکستر جزایری - هیچ چیز نیست باید نقاط کم جمعیت توجه شود) ، اجازه فرمائید بحث صحبتیم را بکنم بعد آقایان فرمائید بحث تریبون صحبت کنید ۶۰ نفر این طرح را اضاء کردند و روی این طرح در کمیسیون بودجه قرار شد کمیسیون سازمان برنامه جلسه مشترکی تشکیل بدهند نهی در آنجا نیز از قید جمعیت یک دستگاه نظارت معلی هم برای مصرف های معلی ایجاد کرده اند تا بعد از آقایان مقدمات بدهند کدستگاه مصرف کننده این پول معلی نباشد بگذارند سازمان برنامه این کار را بکنند با سایر دستگاههای دولتی که لافلاف آموز خرجش هست ما قبول کردیم و در این تبصره آمدم بکنیم که این پول را سازمان برنامه دولتی کاملاً خرج هستند تحت نظارت سازمان برنامه صرف کنند بسیار خوب ، اما صد درصد اعتبارات عمرانی داریم برای مملکت این صد درصد از آقایان که معتقدند که دولت را مقید کنند باینکه بقید جمعیت چیزی ندهد این بلوچستانی که مقرر مایه آقای دکتر امین خراب شده است ۵۰ لافلاف ۵۰ هزار نفر سکنه دارد ؟ در عرض هفت سال گذشته که توی این مملکت ماسازمان برنامه داریم و کار عمرانی و تولیدی میکنیم کدام یک شاهی را داده اند باین بلوچستانی که حالا مقیدش کردیم موجب نسیبت جمعیت بدهند لافلاف مقادری بیشتر از هیچ بلوچستان میرسد شما میگوئید کم است از آن ۷۰ درصد دیگر که آزاد است بدهید از آن هفتاد درصد جناب آقای صدر زاده شما معتقدید که بندر بوشهر فارس مستحق تر است بنده موافقم (ارباب - بلوچستان)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

رئیس - پیشنهاد مینامم تبصره ۱۹ - باین ترتیب اصلاح شود: از مجموع اعتبارات عمرانی و تولیدی کشور - هر صد آن برای کارهای عمرانی و بخش ها اختصاص داده شود و دیگر اینکه به نسبت احتیاجات تقسیم گردد (صحیح است)

داده و با يك روح وحدت و حسن نیت در پیرو تعلیمات و نیاث مقدمه اهلیحضرت شاهپون شاهنشاه برای ترقی و اعتلا ک کشور و سعادت و آسایش مردم قدمهای مؤثری برداشته ایم (صحیح است) در این سال مجلس شورای ملی به حل خیلی از مشکلات کشور و رفع اختلافات توفیق یافت (صحیح است) و در این جلسه آخرین موفقی شد بود چه کشور را قبل از ورود به سال جدید تصویب نمایه از خداوند لا یرززال سعادت همکاران محترم را صمیمانه خواستارم و امیدوارم همواره ما را در انجام وظائف و حفظ قانون اساسی تأیید و توفیق عنایت فرماید تا

بتوانیم در سال آینده همینطور با يك روح توافق کارهای کشور را بجهریان صحیح ببندازیم و این دوره را آبرومندانه به پایان برسانیم (نمایندگان - انشاءالله) در خانه از مجلس محترم سنا که با حسن تفاهم در پیشرفت امور کشور با ما تشریک مسامی فرموده اند و همچنین از مسامی هیئت دولت در همکاری با مجلس شورای ملی اظهار نظر استنان و قدردانی میکنم *

۹ - تقدیم استیضاح از آقای وزیر فرهنگ بوسیله آقای خلعتبری رئیس - آقای خلعتبری

خلعتبری - بنده وزیر فرهنگ را استیضاح میکنم رئیس - بسیار خوب استیضاح را در جلسه بعد قرائت میکنیم

۱۰ تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - تا روز پانزدهم فروردین مطابق آئین نامه تعطیل داریم روز ۱۷ پنجشنبه میشود آنوقت يك روز جمعه داریم و روز بعد هم تولد حضرت حجت و یکشنبه بیستم است حالا بسته به نظر آقایان است اگر مطابق آئین نامه بخواهید عدل شود هفدهم باید جلسه تشکیل شود و یا اگر میخواهید

که جلسه روز بیستم باشد آقایان باید يك رأی بدهند که باز فرمایند آئین نامه نیم ساعت زودتر یادیرتر شده است (جمعی از نمایندگان - بیستم باشد) (اردلان - من یکشنبه بیستم را پیشنهاد میکنم) پس رأی گرفته میشود پانزدهم جلسه روز بیستم باشد آقایان بیکه موافقت فرمایند (عده بیشتری برخاستند) تصویب شد بنا بر این جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز یکشنبه بیستم فروردین ساعت ۹ نیم صبح خواهد بود (مجلس نه ساعت و يك ربع بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت